هو الله - ای ‌آوارگان عبدالبهآء آواره‌ايد آزرده‌ايد…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٤٦

### هو الله

ای ‌آوارگان عبدالبهآء آواره‌ايد آزرده‌ايد بی سر و سامانيد زيرا خانه و کاشانه و لانه و آشيانه را به تالان و تاراج داديد مصيبتی عظيمه تحمّل نموديد وجفائی شديد کشيده‌ايد فی‌الحقيقه مورد ظلم بی پايان ‌از اهل طغيان شده‌ايد. و عبدالبهآء نيز در اين سجن اعظم گرفتار ولی من اين زندان را ايوان يافتم و اين قيد را آزادی شمردم و اين قفس را گلشن روحانی ديدم و اين اسيری را سرير ابدی مشاهده نمودم زيرا در راه خدا و سبيل محبّت جمال ابهاست روحی لاحبّائه الفداء چقدر پر لطافت است و پر حلاوت چقدر شيرين است و نازنين. فی الحقيقه بلايا و مصائب آن ياران بسيار شديد بود امّا به حقيقت فضل جزيل بود و قلوب مقرّبان درگاه احديّت را مانند صبح اميد. ملاحظه نمائيد که بلا در راه خدا چقدر مبارک است . حضرت سيّد الشّهداء روحی له الفداء در بحر مصائب به قعر دريا رسيدند و يزيد عنيد و وليد پليد به حسب ظاهر در عالم جسمانی کامرانی نمودند و فرح و شادمانی کردند.

بعد واضح و مشهود شد که آن مصائب حقيقت مواهب بود و آن کامرانی نقمت آسمانی و آن شادمانی قهر و غضب ربّانی. حال اين نيز چنين است هر چند علمای رسوم و رؤسای جهول ظلوم به ظاهر عربده ای مينمايند و جولانی ميدهند عنقريب ملاحظه خواهيد نمود که‌ اين قوم مانند بوم هر يک به گوشهٔ خرابه ای خزيده و به زاويهٔ خسران ابدی دويده و در حفرهٔ لعنت سرمدی افتاده آنان در وادی خذلان سر گشته و سر گردانند وياران الهی از افق عزّت ابديّه درخشنده و رخشان. اگر خوب ملاحظه کنيد مصيبت در سبيل حضرت فردانيّت موهبت است زيرا اسم اعظم جمال قدم روحی لاحبّائه الفداء به نفس نفيس مبارک تحمّل صد هزار بلايا فرمودند و ما ذليلان را در مصيبت بقدر استعداد سهيم و شريک خود فرمودند. انصافش اين است که اين مصيبت مستحقّ شکرانيّت است واين بلايا عين عطايا وعليکم التّحيّة و الثّناء. ع ع

